



یادداشت

سال سخت ۱۴۰۲ را به سال اتحاد و همبستگی برای رهایی تبدیل کنیم

صادق کار



برای اینکه به دور تسلسل سالهای سخت پایان داده شود و مردم و کشور از فجایع پیاپی که حکومت بوجود آورده و می آورد رهایی بیابند، راه دیگری جز تبدیل سال جاری به سال اتحاد و همبستگی برای برچید بساط حکومت وجود ندارد. این امر حیاتی حاصل نمی شود مگر اینکه جنبش زن، زندگی، آزادی، را بتوان به نحوی که همه گروه های اجتماعی خاصه کارگران و سایر مزد و حقوق بگیران را با در نظر داشت حقوق شان در بر بگیرد تجهیز و تقویت کرد.

اعتراضات و اعتصاب های کارگری در هفته های اخیر خاصه بعد از پرداخت نکردن حقوق معلمان و فرهنگیان در پایان اسفند و انتشار خبر افزایش ناچیز دستمزد و حقوق های بازنشستگان، به شدت افزایش پیدا کرد. بیشترین اعتراضات را معلمان و فرهنگیان طی دو هفته در ده ها شهر برگزار و خواهان اجرای کامل قانون رتبه بندی، همسان سازی حقوق ها، پرداخت حق الزحمه معلمان حق التدریسی، پرداخت حق اضافه کاری ها و فوق العاده شغلی، شدند. معلمان معترض همچنین نسبت به اجرا نکردن قانون مدیریت خدمات کشوری، محروم بودن معلمان از دریافت خدمات رفاهی، درمانی و بیمه تکمیلی جامع اعتراض کردند.

خشم و اعتراض معلمان در شبکه های مجازی بسیاری منعکس شد. عمل گل گرفتن در ورودی یکی از مراکز آموزش و پرورش توسط معلمی که حقوق اسفد خو را نگرفته بود به روشنی این خشم را که یقیناً بسیاری از معلمان نیز در آن سهیم اند منعکس می کرد. اما علت همه ی خشم این معلم تنها به علت ندادن حقوق نبود. خشم از آزاد نکردن اسماعیل عبدی بعد از نزدیک به ۸ سال زندان، بازداشت تعداد دیگری از معلمان در آستانه عید ندادن مرخصی نروزی به رسول بداغی، آزاد نکردن تعداد دیگری از رهبران تشکلهای فرهنگیان و ادامه حملات و سرکوب و اتهام زنی های ساخته و پرداخت شده توسط دستگاه های امنیتی سرکوبگر به فعالین سندیکایی معلمان هم بود.

رژیم وعده "عفو" داده بود، اما به خاطر وضعیت بحرانی اش حتی از دادن مرخصی به رهبران سندیکای بیمار نیز خو داری کرد زیرا که مبارزه در زندان هم به قوت مبارزه در بیرون ادامه داشت و پیام های مقاومت و پایداری زنان و مردان سلحشور زندانی مرتب از داخل زندان به بیرون راه می یافت و رژیم به مصلحت خود نمی دید که مبارزان نامداری را که به نماد مقاومت مردم پیام آوران آزادی تبدیل شده اند ولو برای چند روز هم که شده آزاد بگذارد تا عید را در کنار خانواده هایشان سر کنند. پیام پشت پیام ها از سپیده و آتنا و نرگس محمدی گرفته تا بداغی و شهابی و عثمان اسماعیلی و ... به بیرون فرستاده می شد. اعتراض



خیابانی در روز دوم عید سابقه ندارد. امسال اما بازنشستگان نتوانستند خشم و انزجار شان را بیش از دوم فروردین در سینه نگه دارند و در خانه بمانند. این شد که در دوم فروردین به خیابان ریختند و پیام دادند تا حق خود نگیرند از پا نمی نشینند

متعاقب آن کارگران نیشکر هفت تپه به همراه بازنشستگان در شوش و شوشتر و اهواز علیه مصوبه فقر افزون شورای عالی کار اعتصاب و تظاهرات خیابانی برگزار کردند و پیمان بستند تا رسیدن به حق و حقوق شان مبارزه شان را ادامه دهند. سندیکای کارگران واحد، سندیکای هفت تپه، شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، اتحادیه آزاد کارگران، اتحاد بازنشستگان و... نیز با انتشار بیانیه های خشم و اعتراض خود از افزایش ناچیز دستمزد را اعلام و بر ادامه اعتراضات خود تا رسیدن به مطالبات شان گفتند. همه فعلا بواسطه سرکوب تشکلهای اعتراض خیابانی را وسیله بهتری می دانند، اما از سازمانیابی هم غفلت نکرده و نمی کنند. اعتراض معلمان در واقع نتیجه داشتن حدی از سازمانیابی کاراست که به رغم همه ضرباتی که نیروهای امنیتی به آن وارد کرده اند کارایی خود را حفظ کرده است. همین قضیه در مورد اعتصاب کارگران هفت تپه و بازنشستگان هم صادق است. سطحی از سازمان یابی با بهایی گزاف به وجود آمده که امید بخش است. تهیه و انتشار منشور ۱ ماده ای ۲۰ تشکل صنفی و مدنی مختلف خود جلوه دیگری از سطح سازمانیابی با قدرت سازماندهی و شهادت انتشار مطالبات خود. این ها همه امید برای گذار از دوران پراکندگی و رفتن به سوی غلبه بر بی سازمانی و پراکندگی را بیشتر می کند. فریادهای پیایی کارگران ایران، اتحاد اتحاد در شوش جلوه دیگری از تقویت توأم با تلاش برای متحد کردن جنبش کارگری است. زمینه لازم برای عملی کردن اتحاد و همبستگی نیز فراهم تر از گذشته است. مبارزه کارگران اما تنها صنفی و اقتصادی نیست. در ماهیت خود سیاسی است و غیر از آن هم نمی تواند باشد. زیرا مطالبات اقتصادی، معیشتی، از آب و نان گرفته تا آموزش و درمان و... سیاسی است و بدون حل مسائل سیاسی حل آنها ممکن نیست

نارضایتی و اعتراض نسبت به افزایش ناچیز دستمزد کمتر از نرخ تورم موج نارضایتی هایی را که از پیش هم وجود داشت پر قدرت تر و زمینه اعتراضات بیشتری را بوجود آورده است. اعتراضات دو هفته اخیر ادامه اعتراضات معیشتی سال گذشته در سال جاری است. تأثیرات منفی کاهش ۲۰ تا ۲۵ درصدی قدرت خرید مزدبگیران و بازنشستگان بر وضعیت و رفتار سایر گروه های اجتماعی نیز اثر خواهد گذاشت و به نارضایتی بیشتر آنان، دامن خواهد زد

افزایش تورم و گرانی و شروع جهش دوباره قیمت دلار و ارزهای خارجی ظرف یک هفته و تداوم روند آن به کاهش باز هم بیشتر ارزش دستمزد و قدرت خرید مردم منجر خواهد شد و سفرهای مردم را خالتر و کار و کسب ها را بی رونقتر، فقر و شکاف طبقاتی موجود را ژرفتر خواهد کرد

به نظر می رسد سال جاری سال به مراتب سخت تری از سال گذشته و در عین حال پر تحولتری از همه سالهای گذشته باشد. برای اینکه به دور تسلسل سالهای سخت پایان داده شود و مردم و کشور از فجایع پیایی که حکومت بوجود آورده و می آورد رهایی بیابند، راه دیگری جز تبدیل سال جاری به سال اتحاد و همبستگی برای برچید بساط حکومت وجود ندارد. این امر حیاتی حاصل نمی شود مگر اینکه جنبش زن، زندگی، آزادی، را بتوان به نحوی که همه گروه های اجتماعی خاصه کارگران و سایر مزد و حقوق بگیران را با در نظر داشت حقوق شان در بر بگیرد تجهیز و تقویت کرد

مبارزه متحدانه برای توقف اعدام ها و آزادی کلیه زندانیان سیاسی را تشدید کنیم!

ما از جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی حمایت می کنیم!

همه با هم علیه سرکوب جنبش انقلابی سراسری متحدانه مبارزه کنیم!

تضمین اشتغال یا درآمد حداقل؟ بخش نهم

جرمی سیکینگز



بیکاری معضل بزرگ افریقای جنوبی؛ ۲۱/۲۲ نرخ بیکاری و ۴۱.۴٪

در آفریقای جنوبی، جایی که تبعیض سیاسی با سطوح بسیار بالایی از نابرابری همراه بود، انتظارات زیادی به (ANC) از دموکراتیزه شدن وجود داشت. در اولین انتخابات دموکراتیک، در آوریل ۱۹۹۴، کنگره ملی آفریقا به عنوان (RDP) "رهبری نلسون ماندلا، با شعار "زندگی بهتر برای همه" و "برنامه بازسازی و توسعه که با مشورت نزدیک با متحدان کنگره ملی آفریقا در RDP، مانیفست، کمپین انتخاباتی خود را آغاز کرد اتحادیه های کارگری و جنبشهای دیگر در جامعه مدنی تهیه شده بود، جاه طلبی های کنگره را جسورانه در این باره نوشت: "مقابله با فقر و محرومیت اولویت دولت دموکراتیک ANC بیان کرد. برنامه انتخاباتی خواهد بود

وعده حمایت از تهیدستان و عملکرد نامطمئن سیاست پساآپارتاید

دموکراسی سازی در پایان قرن بیستم این امید را در بسیاری از کشورهای در حال توسعه تقویت کرد که سیاستهایی در حمایت از تهیدستان اتخاذ گردند. در واقع در بسیاری از مواقع، رقابت برای کسب آرای تهیدستان احزاب سیاسی را به وعده سیاستهای رفاهی و سایر سیاستهای حامی آنان ترغیب می کرده است. در آفریقای جنوبی، جایی که تبعیض سیاسی با سطوح بسیار بالایی از نابرابری همراه بود، انتظارات زیادی از دموکراتیزه شدن وجود داشت. در اولین انتخابات دموکراتیک، در آوریل ۱۹۹۴، کنگره ملی "به رهبری نلسون ماندلا، با شعار "زندگی بهتر برای همه" و "برنامه بازسازی و توسعه (ANC) آفریقا که با مشورت نزدیک با متحدان کنگره RDP، به عنوان مانیفست، کمپین انتخاباتی خود را آغاز کرد (RDP) ملی آفریقا در اتحادیه های کارگری و جنبشهای دیگر در جامعه مدنی تهیه شده بود، جاه طلبی های در این باره نوشت: "مقابله با فقر و محرومیت اولویت ANC کنگره را جسورانه بیان کرد. برنامه انتخاباتی



دولت دموکراتیک خواهد بود. این امر مستلزم برآوردن نیازهای اساسی مردم - شغل، زمین، مسکن، آب، برق، مخابرات، حمل و نقل، محیط زیست پاک و سالم، تغذیه، مراقبت های بهداشتی و رفاه اجتماعی است". وعده های خاص شامل توزیع مجدد "مقدار معتنابهی زمین" در میان کشاورزان بدون زمین بود. ساخت بیش از یک میلیون خانه، تأمین برق برای ۲.۵ میلیون خانه و آب تمیز، سرویس بهداشتی، بود. ANC مراقبتهای بهداشتی مقرون به صرفه و ارتباطات راه دور برای همه" از دیگر وعده های

:برنامه بازسازی و توسعه چهار رکن استراتژیک را برای برآوردن نیازهای اساسی مشخص کرده است

- ایجاد امکان برای همه اهالی آفریقای جنوبی برای شکوفائی کامل توانائیهای خود؛
- افزایش تولید و درآمد خانوار از طریق ایجاد شغل، بهبود بهره وری، کارایی و شرایط اشتغال، و ایجاد فرصت برای همگان برای تأمین خود از طریق فعالیتهای تولیدی؛
- بهبود شرایط زندگی از طریق دسترسی بهتر به خدمات اولیه زیستی و اجتماعی، مراقبتهای بهداشتی، آموزش و پرورش برای جوامع شهری و روستایی؛
- ایجاد سیستم تأمین اجتماعی و سایر برنامه های تأمینی برای حمایت از تهیدستان، معلولان، سالمندان و سایر گروه های آسیب پذیر

بنا بر این برنامه، فقر از طریق بهبود فرصتهای کار، کسب درآمد و حمایت مستقیم دولتی، از جمله از طریق سیستم تأمین اجتماعی، برطرف می شد. برنامه بازسازی و توسعه حتی به حق دسترسی به فرصتهای کاری و همچنین امنیت درآمد اشاره داشت. اگرچه این برنامه از نظر چگونگی تقویت سیستم تأمین اجتماعی مبهم بود، اما شامل تعهد روشن و محکم به ایجاد شغل از طریق برنامه های کارهای عمومی بود. خلاصه این که در این برنامه تأکید بیشتری بر تضمین درآمد می شد تا ایجاد شغل. مثلاً در برنامه آمده بود:

برای حمایت از افراد آسیب پذیر، سالمندان، معلولان و بیمارانی که در حال حاضر در فقر زندگی می کنند، به یک سیستم رفاهی قویتر نیاز است، و باید از رژیمهای دستورالعملی برای بیکاران اجتناب شود. همه اهالی آفریقای جنوبی باید فرصت مشارکت در زندگی کشور را داشته باشند. رفاه اجتماعی باید توسعه ای باشد، و نه مبتنی بر دستورالعمل

چشم انداز منعکس در برنامه بازسازی و توسعه تا حدودی به "منشور حقوق" منتقل شد، که بعداً به عنوان یک فصل کامل (فصل ۲) در قانون اساسی جدید آفریقای جنوبی گنجانده شد. منشور حقوق تصریح می کند که هر کس حق دارد "اگر قادر به حمایت از خود یا افراد تحت تکفل خود نباشد، از کمکهای اجتماعی مناسب برخوردار شود" (این حق، مانند بسیاری دیگر از حقوق اجتماعی در قانون اساسی، با بند دیگری متمم شده است که دولت را ملزم می کند "اقدامات قانونی معقول و سایر اقدامات را، در چارچوب منابع موجود خود، برای دستیابی به تحقق تدریجی این حقوق انجام دهد"). اما این منشور در مورد هر گونه حق دسترسی به کار سکوت کرد

یکی از حوزههای سیاست بازار کار که دولت پس از آپارتاید به سرعت آن را اصلاح کرد، چارچوب قانونی حاکم بر شرایط استخدام بود. قانون جدید کار و قانون استخدام در سال ۱۹۹۷ سیستمهای موجود مذاکره جمعی توسط اتحادیه ها را در واحدهای سازمانیافته، و تعیین حداقل دستمزد را در واحدهای بی سازمان تقویت کرد. از اواسط دهه ۱۹۹۰، اتحادیه های کارگری با وجود افزایش بیکاری، از قدرت خود برای مذاکره در مورد دستمزدهای واقعی متناسب با افزایش دانی قیمتها به خوبی استفاده کردند. حداقل دستمزد قانونی در کشاورزی و مشاغل خانگی نیز تعیین شد

دولت پس از آپارتاید در اجرای اصلاحات بازار کار با هدف ارتقای اشتغال، کاهش بیکاری و کاهش فقر بسیار کندتر عمل کرد. دلیل این نبود که در این باره بحثی صورت نگرفته باشد. برعکس، در یک دهه بعد از ۱۹۹۴



بحث و بررسی بسیاری در باره سیاست اشتغال و سیاست رفاه انجام شد. یک کمیسیون ویژه بررسی بازار کار در سال ۱۹۹۶ به ریاست جمهوری گزارش داد. دو سال بعد، یک اجلاس "بررسی اشتغال زائی" زیر نظر ریاست جمهوری برگزار شد که صاحبان کسب و کار و کارگران را در چارچوب سه جانبه گرائی گرد هم آورد. در سال ۲۰۰۰، دولت کمیته ای را برای بررسی سیستم جامع تأمین اجتماعی برای آفریقای جنوبی مأمور کرد و این کمیته گزارش خود را در سال ۲۰۰۲ ارائه داد. کنگره ملی آفریقا در کنفرانس خود برای سیاست گذاری در سال ۲۰۰۲، طیفی از برنامه های ضد فقر را تصویب کرد. این کنفرانس تصریح کرد که "مبارزه با بیکاری چالش اصلی ماست"، اما همچنین هشدار داد که "هیچ راه حل جادویی یا راه حل سریعی وجود ندارد" و "مبارزه با بیکاری مبارزه ای درازمدت خواهد بود". برنامه های جاری برای مشاغل عمومی نیز "استراتژیهای کوتاه مدت مفیدی" توصیف شدند، که "اما به خودی خود راه حل بلند مدتی برای بیکاری نیستند". در اواسط سال ۲۰۰۳ اجلاس مشابه دیگری برگزار شد، اما این بار در مورد "رشد و توسعه". با این حال این اجلاسها و تصمیماتشان منجر به اقدام مشخصی برای اجرای برنامه های تأمین اشتغال عمومی یا اصلاحات بنیادی معیشتی نشده اند. از این قرار از سال ۲۰۰۵ به بعد، پیشرفت کمی در جهت تضمین اشتغال یا تضمین حداقل درآمد حاصل شده است. به واقع، در هر دو زمینه اصلاحات کمی صورت گرفته است.

در طول دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰، تعداد فزاینده ای از اقتصاددانان وابسته به مراکز کسب و کار و اقتصاددانان مستقل نسبت به اثرات منفی سیاست بازار کار بر ایجاد شغل، به ویژه در منتهاالیه بازار کار غیرماهر، هشدار دادند. به تصریح آنان، اثرات منفی مورد نظر به دو صورت بروز می یافتند. اول این که مناسبات کارگر و کارفرما، مبتنی بر قانون کار، منجر به هزینه های بسیار بالایی برای کارفرمایان برای اخراج کارگران می شد. بر اساس یک برآورد، اخراج کارگران هر سال معادل ۱ درصد از تولید ناخالص داخلی هزینه برمی داشت، زیرا تعداد روزهای کاری از دست رفته برای طی مراحل اخراج، سه برابر روزهای از دست رفته به علت اعتصابات بود. از این رو برخی از وکلای کارگری که مسئول تهیه پیش نویس قانون کار ناظر بر این وضع بودند، به شکاف بین آنچه در نظر داشتند و آنچه که تدوین کردند، اذعان داشتند. دوم این که روند ناظر بر تعیین دستمزدها این بود که آنها در "شوراهای چانه زنی" مبتنی بر بخش، مورد مذاکره قرار می گرفتند و این شوراهای غالباً زیر نفوذ شوراهای بزرگتری هستند. و واقعیت این است که کارفرمایان بخشهای سرمایه بر و اتحادیه های کارگری مربوطه، منافع مشترکی در تعیین دستمزدها در سطوح بالا دارند: اتحادیه ها طبعاً دستمزد بالائی برای کارگران می خواهند، و کارفرمایان گفته شده نیز از دستمزد بالا هراسی ندارند، زیرا این کیفیت حذف رقابت کارفرمایان کوچک، کم سرمایه و کمتر سازمانیافته را تسهیل می کند.

اتحاد، اعتراض، اعتصاب، نبرد تا رهایی!

نابود باد استبداد و بی عدالتی!

کار، رفاه، آزادی!



مقصر کمبود نیروی کار ماهر کیست؟

کارگران را دنبال نخود سیاه نفرستید

صادق



آری در ماده ۷ قانون تبصره مبهمی هست که با توصیه گزارشگر انطباق دارد. با این وصف اما همین تبصره سالهاست که به یکی از پرمناقشه ترین اختلافات بین کارگران از یکسو و کارفرمایان و دولت از سوی دیگر تبدیل شده است و بخاطر فقدان سندیکاها و کارگری و سرکوب مداوم آنها تعداد کارگرانی که تا سال ۶۹، ۹۰ درصد شان دائمی تلقی می شدند و الان به ۶ درصد کاهش پیدا کرده اعمال می شد

خبرگزاری ایلنا در نوشته‌ای که در ۱۱ فروردین با عنوان "اگر قرارداد کار ندارید، کارگر دائم به حساب می‌آید" منتشر کرد، موضوعی را مطرح کرد که در حالت فعلی جمهوری اسلامی محلی از اعراب ندارد و در خوشبینانه ترین حالت خیال کاذبی بیش نیست

نویسنده با استناد به تبصره ۲ ماده ۷ قانون کار که سالهاست عملاً دولت و کارفرمایان آنرا وارونه اجرا کرده و می‌کنند، به کارگرانی که فاقد قرارداد کتبی کار با کارفرمایان هستند وعده می‌دهد که گویا پس از مدتی کار کردن در کاری که ماهیت مستمر داشته باشد می‌توانند با مراجعه به هیئت‌های حل اختلاف به صورت کارگر دائم درآیند و لابد به تبع دائمی شدن از دستمزد و حقوق کارگران دائم که درصد شان نسبت به غیر دائمی و قراردادی‌ها به زحمت به ۶ درصد می‌رسد بهره‌مند شوند

نویسنده توجه ندارد کارفرمایی که کارگر بدون قرارداد استخدام می‌کند به این جهت است که دستمزد و مزایای کمتری به کارگر پرداخت کند و هر وقت که مایل بود او را بدون هیچ هزینه و غرامتی اخراج کند. مراجعه دادن کارگر به هیئت‌های اختلاف هیچ‌کاره اگر گره‌ای از کار کارگر می‌گشود که تعداد کارگران قرارداد موقتی از ۱۰ درصد به ۹۴ درصد نمی‌رسید

از همه اینها گذشته ایشان گویا از یاد برده که دو سال و نیم از طرح مجلس برای رسمی کردن کارگران پیمانی گذشته ولی حالا که ظاهراً در مجلس تصویب شده دولت به بهانه نداشتن بودجه از اجرای آن خودداری میکند، چطور ممکن است با رسمی کردن کارگران بی قرارداد که خیلی هایشان اساساً از شمول



قانون کار بیرون رانده شده‌اند، و برای بخش خصوصی رسمی و غیر رسمی کار می کنند موافقت کند؟ اگر بی توجهی به این مسائل از روی نا آگاهی نویسنده نباشد که احتمال آن کم است، می تواند برای پرت کردن حواس کارگران از موضوعات اساسی تری باشد

آری در ماده ۷ قانون تبصره مبهمی هست که با توصیه گزارشگر انطباق دارد. با این وصف اما همین تبصره سالهاست که به یکی از پرمناقشه ترین اختلافات بین کارگران از یکسو و کارفرمایان و دولت از سوی دیگر تبدیل شده است و بخاطر فقدان سندیکاهای کارگری و سرکوب مداوم آنها تعداد کارگرانی که تا سال ۶۹، ۹۰ درصد شان دائمی تلقی می شدند و الان به ۶ درصد کاهش پیدا کرده اعمال می شد من خودم در کارخانه هایی که در آن زمان کار می کردم بدون هیچ کلنجاری با مدیریت پس از ۶ ماه دوره آزمایشی کارگر دائمی شدم و به یاد ندارم جز در موارد استثنا کارگری را در جاهایی که کار می کردم از این قاعده مستثنی کرده باشند

تعرض برای موقت سازی نیروی کار و کلا از بین بردن قانون کار حتی در مشاغلی که ماهیت مستمر داشتند در سال ۶۹ و مدت کوتاهی بعد از تصویب قانون کار جدید شدت گرفت و از آن به بعد در اکثر واحدهای تولیدی و خدماتی نه تنها کسی را استخدام دائمی نمی کردند، بلکه از هر فرصتی برای اخراج کارگران دائمی و استخدام کارگران موقتی استفاده می کردند

دلیل این تغییر و اصولا در پیش گرفتن سیاستهای تعدیلی به پایان یافتن جنگ ۸ ساله و استحاله ی تدریجی و کنار گذاشته شدن عده‌ای از حامیان قانون کار در حکومت و افتادن امورات اصلی به دست موتلفه چپ‌های آشکار و پنهان و متحدین حکومتی دیگر شان و همان هایی که از آغاز اصولا با هر نوع قانون و مقررات که ولو اندکی حق و حقوقی برای کارگر قائل شود به شدت مخالفت و مبارزه می کردند بر می گردد

از زمان رفسنجانی به بعد در همه ی دولتها سیاست بی حقوق سازی کارگران دنبال شد. از طرف دیگر سرکوب شوراها و سندیکاها و احزاب و سازمانهای کارگری خاصه در دهه شصت و قتل عام زندانیان سیاسی مجاهد و چپ در سال ۶۷ باعث شد تا حکومت بی حقوق سازی نیروی کار را با خیال آسوده تری پیش ببرد

سیاست سرکوب سازمانهای کارگری از آن پس هم هر گاه تحرکاتی برای سازمانیابی تشکیلاتی کارگران و معلمان و دیگر مزد و حقوق بگیران شکل می گرفت ادامه پیدا کرد. سرکوب وحشیانه تلاشهایی که پس از تشکیل سازمان های معلمان انجام شد و صدها معلم و فعال حقوق معلمان را روانه زندانها کرد، بازداشت رهبران سندیکاهای واحد، هفت تپه و اتحادیه آزاد و صدها تن از سازماندهندگان اعتصابات که همچنان با شدت گذشته ادامه دارد، همه بخاطر این است که طبقه کارگر بی سر و سامان بماند و نتواند بطور سازمان یافته و موثر از حقوق خود دفاع کند و نتواند روند بی حقوق سازی نیروی کار را متوقف کند با این اوصاف بدون سازماندهی سندیکاهای کارگری نیرومند و تغییر توازن نیرو آنهم در موقعیتی که قریب ۹۴ درصد کارگران با قرار دادهای موقت کار می کنند و فاقد امنیت شغلی می باشند و تمام نهادهای حکومتی در خصوص بی حقوق سازی نیروی کار توافق و تفاهم دارند تقاضای استخدام رسمی متأسفانه بی نتیجه خواهد ماند

برای همین هست که تمرکز و تلاش و مبارزه کارگران پیشرو نه روی اقدامات بی ثمر آزموده شده سر گرم کننده که نویسنده بی نام و نشان اینلا توصیه می کند، بلکه برای سازماندهی تشکلهای مستقل به عنوان یک راه کار موثر بلند مدت است

ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!

به بیکاران باید حقوق پرداخت شود و تحت پوشش تامین اجتماعی قرار داشته باشند



دستمزد و وعده‌های سر خرمی بی سرانجام

صادق



برای رهایی از این وضعیت رنجبار ما چاره‌ای جز متشکل شدن در سازمانهای سندیکایی و سیاسی خاص خودمان و همراه شدن با بقیه گروه‌های اجتماعی مترقی و عدالتخواه و حمایت فعال از جنبش عمومی مترقی و انقلابی زن، زندگی، آزادی و کوشش مشترک برای گذار از رژیم تبهکار، فاسد و ناکارآمد و ایجاد جایگزینی برای آن که پایبند به آزادی و عدالت باشد و حقوق حقه نیروی کار از جمله مزد عادلانه و مکفی برای زندگی ما را تضمین نماید نداریم.

خبرگزار تسنیم در ۱۱ فروردین از ابلاغ بخشنامه مزد ۱۴۰۲ توسط وزارت کار جهت اجرا خبر داد. ابلاغ عجولانه مصوبه مزدی دستپخت شورای عالی فرمایشی کار در شرایطی انجام می‌گیرد که با موجی از مخالفت‌های کارگران و تشکلهای کارگری مستقل روبرو شده و تدارک اعتراضات گسترده‌تر از طرف تشکلهای مستقل در حال انجام است.

حتی تشکلهای وابسته به قدرت که خود در تدارک و تصویب و تثبیت دستمزدها کمتر از نصف نرخ تورم نقش داشته و آنرا امضا کرده‌اند در اثر موج اعتراضی که بلافاصله از دوم فروردین سر برآورد چنان غافلگیر و نگران شدند که برای فرونشاندن خشم و اعتراض کارگران شاغل و بازنشسته وعده پیگیری برای لغو مصوبه از طریق قانونی را دادند.

اما این وعده‌ها و تظاهر آنان به همراهی با کارگران معترض نه تنها نتوانست از خشم و اعتراضات کارگران بکاهد بلکه به آن دامن زد. کارگران به درستی از این جماعت سر سپرده ضد کارگری می‌پرسند اگر شما مخالف مصوبه بودید چرا به آن رای دادید، که حالا می‌خواهید آن را لغو کنید؟ و اگر می‌گویید از طریق قانونی قصد لغو آن را دارید، مگر نه این است که خود این مصوبه بطور غیر قانونی و خلاف تبصره‌های ماده ۴۱ قانون کار انجام شده است، چرا در مقابل قانون شکنی دولت و کارفرمایان در هنگام تصویب نه ایستادید و جلوی بی قانونی آنان را نگرفتید؟

از سوی دیگر وزارت کار زمانی که شکایتی از نحوه تصمیم‌گیری غیر قانونی مصوبه وجود دارد تا زمانی که هنوز بررسی نشده حق ابلاغ مصوبه شورا برای اجرای آن را ندارد. همین ابلاغ خودسرانه نشان می‌دهد که قانون برای مسئولین وزارت کار و کارفرمایان پیشیزی ارزش ندارد. از همین می‌شود نتیجه "لغو مصوبه غیر قانونی" شورای عالی کار که تشکلهای فرمایشی حکومتی وعده اش را داده اند با مراجعه به سوابق تشکلهای مذکور فهمید.



به همین دلیل عجیب نیست که تشکلهای وابسته به دادن وعده‌های سرخرمنی اکتفا می‌کنند و بواسطه سرسپردگی و همراهی شان با سیاستهای ضد کارگری حکومت نه نقشی در سازماندهی اعتراضات به عهده می‌گیرند و نه اصولاً در اعتراضات خیابانی کارگران شرکت می‌کنند و نه حتی به سرکوب اعتراضات توسط حکومت اعتراض می‌کنند.

اینکه پائین نگه داشتن دستمزدها به قیمت تحمیل زندگی پر درد و رنج زیر خط فقر ده‌ها سال است که توسط حکومت دنبال شده است و شورای عالی کار هر سال در پیشبرد آن نقش داشته و دارد نه تازگی ندارد و موجب تعجب کسی می‌شود. ولی امسال این شورا بی‌شرمی را به حد اعلا رساند و با وقاحت مصوبه‌ای را از تصویب گذراند که نتیجه‌اش تحمیل گرسنگی بیشتر، فقر افزون‌تر و درد و رنج مضاعف برای خانواده‌های کارگری ست. این واقعیت برای همگان روشن‌تر از آن است که نیاز به تفسیر بیشتر داشته باشد.

بهانه‌ها هم کم و بیش همان‌هایی است که هر ساله برای منجمد نگه داشتن دستمزد ها زیر خط فقر و یا بقول خیلی از فعالین کارگری میدانی زیر خط بقا انجام می‌گیرد.

امسال نیز به بهانه وضعیت بد کارخانه‌ها و موسسات و تورم‌زا بودن افزایش دستمزد ها و وعده کاهش تورم، دستمزد حداقل بگیران را ۲۷ در صد یعنی ۲۰ درصد کمتر از نرخ دستکاری شده تورم و ۴۳ درصد کمتر از تورم خوراکیها تعیین کردند. این در حالی است که طبق قانون موجود بایستی دستمزدها بر اساس نرخ تورم و قیمت سبد هزینه‌های خانوار تعیین می‌شد. قیمت سبد هزینه‌های سبد خانوار ۳.۳ نفره حداقل ۱۸۰ میلیون تومان است. اما حداقل دستمزد پس از افزایش ۲۷ درصد کمتر از ۵.۴۰۰ میلیون می‌شود.

دستمزد غیر حداقل بگیران نیز تنها ۲۱ درصد افزوده شد. وضع کارخانه‌ها آنطور که ادعا می‌شود خراب نیست. لاقلاً در مورد همه کارخانه‌ها این ادعا درست نیست. وانگهی مقصر نابسامانی کارخانه‌ها به سیاستهای دولت بر می‌گردد و نایبستی تاوان آن را با کسر کردن از دستمزد ناچیز کارگران جبران کرد.

کدام کارخانه دار را سراغ می‌شود گرفت که قیمت تولیدات خود را پا به پای افزایش تورم بالا نبرده باشد؟ قیمت خودرو ۱۰۰ میلیونی را مگر نه این است که به ۱ میلیارد رسانده‌اند، قیمت مسکن و اجاره مسکن مگر نه این است که حداقل طرف یک سال ۶۰ درصد بالا رفته. وضع یخچال، تلویزیون و سایر خانگی بهمین نسبت گران شده. همه تولید کنندگان پا به پای رشد تورم قیمت تولیدات خود را روزانه بیشتر از نرخ تورم بالا برده و قیمت دارایی‌هایشان در اثر تورم بالا رفته و در واقع چیزی را از دست نداده‌اند که هیچ سود شان هم بالاتر رفته است. حالا پرسش این است که چرا باید کارگر و بازنشسته هزینه تورم را که نقشی در ایجاد آن نداشته اند در حکومت عدل علی تحت رهبری خامنه‌ای پردازد؟

اما از همه اینها که بگذریم تجربه همه سالهای گذشته باید به ما نشان داده باشد تا زمانی که این رژیم فاسد و سرکوبگر وجود داشته باشد سال به سال وضعیت زیستی و معیشتی و کاری کارگر و عموم مزد و حقوق بگیران بدتر و درد و رنج ما بیشتر خواهد شد. برای رهایی از این وضعیت رنجبار ما چاره‌ای جز متشکل شدن در سازمانهای سندیکایی و سیاسی خاص خودمان و همراه شدن با بقیه گروه‌های اجتماعی مترقی و عدالتخواه و حمایت فعال از جنبش عمومی مترقی و انقلابی زن، زندگی، آزادی و کوشش مشترک برای گذار از رژیم تبهکار، فاسد و ناکارآمد و ایجاد جایگزینی برای آن که پایبند به آزادی و عدالت باشد و حقوق حقه نیروی کار از جمله مزد عادلانه و مکفی برای زندگی ما را تضمین نماید نداریم.

از اعتراضات حق طلبانه کارگران، معلمان و بازنسستگان برای افزایش دستمزد و حقوق مکفی و بالای خط فقر حمایت کنیم!



اعتراض بازنشستگان شوش به مصوبه مزدی شورایی عالی کار
بازنشستگان تأمین اجتماعی شهرستان شوش به مصوبه مزدی شورایی عالی کار اعتراض کردند
اعتراض بازنشستگان شوش به مصوبه مزدی شورایی عالی کار
به گزارش خبرنگار ایلنا، تعدادی از بازنشستگان تأمین اجتماعی شهرستان شوش با تجمع مقابل
فرمانداری شوش و محمد کعب عمیر (نماینده شوش در مجلس شورای اسلام) خواستار پیگیری مطالبات
خود شدند.



هر کدام از ما زنان و مردان زندانی به دلیل عضویت
در نهادهای مدنی، اجتماعی، صنفی در زندان هستیم
که نهادهای ما به شکل غیرقانونی پلمب شده‌اند.
من حاضر م سال‌ها در زندان باشم اما نهاد من یعنی
کانون مدافعان حقوق بشر، دفتری داشته باشد که
اعضا آن بتوانند برای تحقق حقوق بشر فعالیت کنند.

نرگس محمدی فعال حقوق بشر
پیام از زندان برای نشست جانبی شورای حقوق بشر در ژنو



پیام سندیکای کارگران شرکت واحد که به پنجاه و سومین کنگره کنفدراسیون عمومی کار، «س ژ ت» ارسال گردید

با سلام و درود به همه‌ی شرکت‌کنندگان در پنجاه و سومین کنگره کنفدراسیون عمومی کار، «س. ژ. ت.»، درودها و سلام‌های . که به تاریخ ۲۷ تا ۳۱ ماه مارس ۲۰۲۳ در شهر «کلمون فران» فرانسه برگزار می‌شود گرم ما به همه‌ی کارگران فرانسه که همواره یکی از پیشقراولان مبارزه علیه سیستم سرمایه‌داری جهانی بوده‌اند و در این روزها درگیر مبارزه‌ای جدی علیه قوانین واپس گرایانه دولت ماکرون هستند. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، همچون دیگر کارگران ایران، حمایت خود را از مبارزات برحق شما اعلام و بر همبستگی میان همه‌ی کارگران جهان تاکید می‌کنیم. مبارزات شما و خشونت پلیس فرانسه نشان می‌دهد که زمانی که پای سود سرمایه‌داران و قوانین ضدکارگری در میان باشد فرقی ماهوی میان دولت‌های سرمایه‌داری جهان وجود ندارد و جواب آنان به مبارزات کارگران، کنترل و سرکوب به انحای گوناگون است. همانطور که در جریان هستید، سندیکای ما و دیگر تشکلات و گروه‌های مستقل کارگری در ایران طی سالیان متمادی و بطور بی‌انقطاع تحت سرکوب و حملات نیروهای امنیتی و قضایی بوده‌اند. حق تشکل مستقل کارگری و حق اعتراض و اعتصاب با شدت تمام سرکوب می‌گردد و فعالین کارگری ومدنی بطور روزانه با اتهامات نخ‌نما و تکراری همچون «اقدام علیه امنیت ملی» و «تبلیغ علیه نظام» تحت تعقیب و بازداشت و حبس قرار می‌گیرند. سه تن از فعالین شناخته شده سندیکا، رضا شهابی، داود رضوی و حسن سعیدی، که در گذشته به دعوت سندیکاها کارگری فرانسه، از جمله س، ژ، ت، در اجلاس‌های کارگری در کشور شما شرکت کرده بودند، ماه‌ها می‌باشد، برای چندمین بار، در زندان بسر می‌برند. همچنین فعالین کارگری و معلمی از جمله جعفر ابراهیمی، رسول بدایعی، کیوان مهتدی از ماه اردیبهشت سال گذشته در زندان بسر می‌برند.

سه عضو زندانی سندیکای ما، حسن سعیدی، داود رضوی و رضا شهابی، و تعدادی از معلمان و فعالین کارگری به بهانه دیدار با دو فعال سندیکایی فرانسوی در سال گذشته از سوی دولت ایران با اتهامات واهی و بی‌پایه و اساس روبرو شده‌اند. ارتباط و همبستگی کارگری یکی از اصول اولیه مناسبات و مبارزات طبقه کارگر در تمامی جهان است اما از سوی حاکمیت در ایران، به عنوان جرم به شمار می‌رود. اساس این جرم انگاری، اما وحشت حاکمیت از اتحاد طبقه کارگر و ایجاد و گسترش تشکلهای مستقل کارگری و دیگر تشکلات طبقاتی و مدنی در کشور است. سناریوسازیهای حاکمیت علیه فعالین کارگری در ایران باید با قاطعیت تمام در سطح جهانی و در اجلاس آتی سازمان جهانی کار توسط تشکلات جهانی کارگری



محکوم گردد. سندیکای ما از حمایت س، ژ، ت و کلکتیو سندیکاهای کارگری فرانسه از مبارزات کارگران ایران، در این راستا قدردانی می‌کند.

کشور ما از شهریور سال گذشته شاهد اعتراضات سراسری ای بود که بدنبال قتل ژینا (مهسا) امینی در دنیا با عنوان خیزش زن، زندگی، آزادی، شناخته شد. تشکلات مستقل کارگری در ایران، از جمله سندیکای کارگران شرکت واحد، از مبارزات آزادیخواهانه و عدالت‌طلبانه زنان، جوانان و مردم تحت ستم‌کشور حمایت کرده و خواهد کرد. ما بشدت سرکوب و کشتار معترضین و زندان و احکام سنگین از جمله احکام ضد انسانی اعدام را محکوم کرده‌ایم و خواهان آزادی بدون قید و شرط کلیه بازداشتیان و زندانیان سیاسی هستیم. در عین حال، ضمن تاکید بر اهمیت حمایت و همبستگی بین‌المللی کارگری و مرفقی، اعلام می‌داریم که ما تنها بر نیروی طبقه کارگر در ایران و حامیانمان در جنبش‌های کارگری و آزادی خواه و برابری‌طلب در جهان از جمله شما همقطاران عزیز در فرانسه، تکیه می‌کنیم و چشم‌امیدی به هیچ یک از دولت‌ها و قدرت‌های سرمایه‌داری در جهان که تنها بدنبال منافع خود هستند نداریم و هرگز نخواهیم داشت.

با آرزوی پیروزی طبقه کارگر فرانسه، ایران و جهان

منبع: سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه



رنجنامه‌ی کارگران معدن آق دربند سرخس/ ماه‌ها حقوق معوقه و فقدان ایمنی به گزارش خبرنگار ایلنا، «مردان سختکوش معدن آق‌دربند سرخس ۵ ماه حقوق و عیدی طلب دارند»، احسان سهرابی (فعال کارگری) با بیان این مطلب می‌گوید: کسی به فکر کارگران زحمتکش معدن آق‌دربند نیست؛ کارگرانی که در سخت‌ترین شرایط کار کرده‌اند اما حقوق نگرفته‌اند.

از منشور ۱۲ ماده‌ای تشکلهای صنفی و نهادهای مدنی حمایت می‌کنیم! .



#برای_آزادی_اسماعیل _عبدی



***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>